

## پایان ۸۸؛ حصر نمادین



عباس عبدی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

حدود شش‌ماه پیش خبر رفع حصر از آقای کربوی جدی شد؛ ولی برخی ملاحظات پیش آمد که در عمل این رفع حصر محقق نشد تا اینکه بالاخره روز گذشته اعلام گردید که حصر آقای کربوی برداشته شده است و امیدوارم هر چه زودتر نیز حصر آقای موسوی و سرکار خانم رهنورد نیز به پایان برسد. دوست دارم در این باره و تا حد ممکن صریح بنویسم. حرف‌هایی که در ۱۴ سال گذشته مکرر و به‌صورت عمومی یاد جلسات خصوصی اظهار داشته‌ام، اولین بار که ماجرای رفع حصر به‌صورت جدی مطرح شد، سال ۱۳۹۲ و در جریان انتخابات ریاست جمهوری آن سال و نیز پس از پیروزی آقای روحانی بود. از همان زمان هم می‌گفتم و معتقد بودم که رفع حصر بر حسب اینکه از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنیم، موضوعی مهم یا کم‌اهمیت است. رفع حصر مهمترین شعار سیاسی بود؛ اگر با هدف عبور از ماجرای زبان‌باز ۸۸ بود. منظورم از زبان‌باز بودن آن ماجرا این است که ۸۸ نقطه عطفی در فضای سیاسی و تبدیل آن به فضای مسموم امنیتی بود. دنبال ارائه تحلیل کاملی از مقصرایی نیستیم؛ فقط به‌طور خلاصه معتقدم که احمدی‌نژاد نقش اصلی را در پهن کردن این سیاط داشت، ولی اشتباه سیاسی را اصلاح‌طلبان مرتکب شدند که وارد این بازی شدند و اشتباه حکومت هم این بود که متوجه تبعات اقدامات احمدی‌نژاد نبود و تمام‌قد پشتیبان او شد. سال ۸۸ بازی با جمع جبری بسیار منفی بود. رفع حصر می‌توانست مطالبه‌ای در ذیل اتفاقات و تنش ۸۸ باشد که نهن‌تپا به نتیجه نمی‌رسید که هیچ‌گاه هم نرسید، بلکه مطالبه‌ای زبان‌باز هم بود. به عبارت دیگر، اگر قرار بود روابط و تعاملات سیاسی جامعه بر محور ۸۸ ادامه می‌یافت، مطالبه رفع حصر جز نمیدان بر آتش آن اختلافات نتیجه دیگری نداشت.

ولی مطالبه رفع حصر اگر برای عبور از تنش‌های آن مقطع بود، بهترین شعار سیاسی ممکن بود. شعاری که در عمل هیچگاه مورد توجه قرار نگرفت، تا اینکه با حمایت اصلاح‌طلبان از آقای پزشکیان و وعده‌های انتخاباتی او عملاً وارد مرحله جدیدی شد و باید رفع حصر نیز محقق می‌شد. به همین دلیل گفت‌وگوها برای رفع حصر از شهر یوم‌آغاز شد، که به نظر من باید همان زمان خاتمه پیدا می‌کرد و اگر چنین شده بود، حصر آقای موسوی و خانم رهنورد نیز تاکنون تمام شده بود. به همین دلیل، در دیداری که با جمعی از دوستان خدمت آقای کربوی بودم، تحلیل خودم را از این ماجرا ارائه کردم و معتقد بودم که رفع حصر هر یک را نباید منوط به رفع حصر دیگری کرد و به‌طور طبیعی هر کدام آغاز شود اگر با رویکرد عبور از ۸۸ و احیای سیاست به معنای واقعی باشد، باید از آن استقبال کرد. اکنون خشونتی خود را از این تصمیم ریاست قوه قضائیه ابراز می‌دارم و اطمینان دارم به‌زودی گام بعدی برای پایان دادن به حصر نیز برداشته خواهد شد. قدری درباره اهمیت این تصمیم توضیح خواهم داد.

آنان که اتفاقات سال ۸۸ را به یاد دارند، می‌دانند که جمعیت معترض در ۲۵ خرداد سال ۱۳۸۸ بسیار فراوان و بی‌نظیر بود و می‌توانست پایه‌ای برای بهبود امور باشد، ولی تداوم آن اعتراضات تا رسیدن به ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ که بسیار کم‌رقم بود را نمی‌توان فقط در ذیل سرکوب توجیه کرد یا حتی اگر هم همین باشد، هیچ چیز جز عدم موفقیت آن حرکت را نمی‌رساند. پس از فتا‌های احمدی‌نژاد در سال ۹۰ و روشن شدن دست او برای نظام سیاسی باید کوشش می‌شد که از ماجرای ۸۸ به نحو سازنده‌ای عبور شود و طبعاً چنین عبوری مترادف با رفع حصر نیز بود؛ ولی برخی نیروها همچنان دنبال رفع حصر در ذیل تنش‌ها و اختلافات سال ۸۸ بودند و به نتیجه هم نمی‌رسیدند. این رویکرد اگر نه همسوزی مکمل رویکرد تندروترین نیروهای درون حاکمیت بود که اکنون همه آنان قربان صدقه احمدی‌نژاد می‌روند و در ذیل طرفداری از مرحوم مصباح متحد شده‌اند، خوشبختانه هم‌زمان و با احتیاط پیش از آمدن پزشکیان، رویکرد هشتادوهشتی تعدیل شده است. گرچه این آغاز راه است و نمی‌دانم طرفین تا چه اندازه به ادامه آن پایبند هستند. پاسخ مثبت و علاقتانه اصلاح‌طلبان و تداوم آن از طریق رفع حصر از آقای موسوی و خانم رهنورد و همچنین رفع محدودیت‌ها از آقای خاتمی می‌تواند نوبت‌بخش تحولات دیگری باشد؛ تحولاتی که به تقویت پایه‌های مردمی حکومت و حضور بیشتر نیروهای گوناگون در عرصه سیاست منجر شود. باید منتظر ماه‌های آینده باشیم. شاید نه‌فقط در این مورد بلکه در زمینه‌هایی دیگر هم گشایش‌هایی آغاز شود و همه را به آینده ایران امیدوار کند؛ درباره کارهایی که می‌توان کرد یا باید کرد؛ بعداً خواهیم نوشت.

## سیاست روی دور تند

## ۱۰ چهره تاثیرگذار سیاست داخلی ایران در سال ۱۴۰۳

گزارش  
سال

سیدمحمد خاتمی

## رئیس‌جمهور ساز

انتشار نتایج انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و حرکت به سوی واکاوی علل و عوامل پیروزی مسعود پزشکیان، تحلیل جالبی را به میان آورد که سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری دولت اصلاحات، چهره سیاسی President Market یا رئیس جمهور ساز است. همانطور که در سال ۹۲ با حمایتش از حسن روحانی در کنار چهره‌ای مانند اکبر هاشمی‌رفسنجانی و بسیج نیروهای همسوارا پیروز انتخابات کرد. حالا هم با وجود اینکه رای دهندگان در این انتخابات حتی ۵۰ درصد واحدین شرایط رای دادن هم نمی‌شدند؛ برخلاف تصویری که هسته سخت قدرت درباره کاهش مشارکت و پیروزی قطعی اصولگرایان داشته، حمایت صریح خاتمی و بسیج بخش عمده نیروهای علاقمند به توسعه و رفاه ایران، یک چهره از دولت اصلاحات او پیروز انتخابات شد. داستان هم از این قرار است که خاتمی در نبود حداقل‌ها در انتخابات مجلس دوازدهم، همچون بسیاری از مردم مشارکت نکرد و در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم وقتی پزشکیان به‌عنوان یکی از سه گزینه جبهه اصلاحات تایید صلاحیت شد؛ تمام‌قد از او حمایت کرد و همین موجب ایجاد دوقطبی در انتخابات شد، چنانچه در مناظره‌های انتخاباتی عملاً ۵ به ۱ به مقابله با پزشکیان پرداختند. البته پزشکیان و آنها که در جرگه حامیانش بودند هم در برابر آنچه به او نسبت می‌دادند که او دولت سوم روحانی را شکل می‌دهد؛ به انحنای گوناگون بیان می‌کردند که اگر هم قرار می‌باشد دولت «من (پزشکیان) دولت سوم خاتمی» می‌شود (حالا اینکه در عمل و نتیجه سال اول این دولت، در این روزها تفاوت بسیار محسوس است؛ بحث دیگری است). پیروزی پزشکیان در حالی رقم خورد که مردم روزبه‌روز ناراضی‌تر و ناامیدتر می‌شدند؛ نسل جوان که کمتر تمایل به رای دادن داشتند و آن جمعیت حداقلی که به هر دلیل با وجود ناراضیاتی‌ها در ایران مانده‌اند و قصدی هم برای رفتن ندارند؛ خاطرات دولت خاتمی را به عنوان بهترین دولت پس از پیروزی انقلاب به یاد داشته و برای همان بهبود نسبی و رای دادن به وزیر او از این حافظه تاریخی استفاده کردند. شاید این انتخابات و رای به وزیر بهداشت دولت خاتمی مصداق مناسبی از این باشد که اگر رئیس‌جمهور یا هر مقامی ۸ سال خوب فعالیت کند حتی اگر بخش عمده رسانه‌های داخلی و خارج علیه او باشد و محدودیت‌ها بر او اعمال شود، مردم سر و قتش به یاد می‌آورد.



مسعود پزشکیان

## وناگهان ریاست جمهوری

«تا آخر میمونی دیگه؟» جمله معروف مسعود پزشکیان است که اگر چه تاثیر چندانی در انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور نداشت، اما در ناکامی جریان مقابل موفق بود. تقریباً هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد پزشکیان بتواند تایید صلاحیت شورای نگهبان را جلب کند، اما او نهن‌تپا موفق به دریافت صلاحیت شد، که با وجود مشارکت کمتر از ۵۰ درصدی در انتخابات نیز که همیشه پیروزی را از آن اصولگراها کرده است، در نهایت رئیس‌جمهور ایران شد. «گفتنم وفاق ملی» خیلی زود به رویکرد اصلی دولت پزشکیان تبدیل شد؛ گفتنمانی که خیلی آن را مبهم‌تر و دارای ایرادات جدی می‌دانستند و برخی معتقد بودند این می‌تواند به یک باج‌دهی سیاسی تبدیل شود و رئیس‌جمهور به خیال خود گمان می‌کند اگر افرادی از گرایش‌های سیاسی مختلف را در کابینه‌اش به کار گیرد، دعوای کمتر و اوضاع بهتر خواهد شد. تنها یک روز پس از مراسم تحلیف او در مجلس، اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس که برای شرکت در همین مراسم به تهران آمده بود ترور شد، پس از آن ترور سیدحسین نصرالله و دیگر رهبران حماس کار او در عرصه سیاست خارجی را بسیار سخت کرد. با روی کار آمدن ترامپ ابتدا اعلام کرد که با آمریکا مذاکره خواهد کرد اما در روز استیضاح همتی گفت: «بنده معتقد به گفت‌وگو با آمریکا بودم ولی وقتی مقام رهبری گفتند گفت‌وگو نشود، گفت‌وگو نمی‌کنیم، تمام شد رفت.» او چند رویکرد اساسی را در دوران کاندیداتوری اعلام و دنبال کرد، برنامه‌اش همان برنامه هفتم توسعه، مخالفت با اجرای قانون عفاف و حجاب، رفع فیلترینگ و تنش‌زدایی با غرب بود. هر چند که تاکنون تنها توانسته دو پلتفرم و تعلیق اجرای قانون عفاف و حجاب را به نتیجه برساند و در دیگر وعده‌هایش تاکنون تغییر چندانی حاصل نشده است. پزشکیان برخلاف انتظار نوانست رای اعتماد تمام کابینه‌اش را نیز از مجلس بگیرد، اما بهار کابینه‌اش خیلی زود خزان شد و عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد او خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد با استیضاح نمایندگان مجلس برکنار شد. فشار تندروها به پزشکیان منجر به حذف محمدجواد ظریف هم از دولت وی شد و راه سخت پزشکیان تا اولین پایان سالی که مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده گرفت ناهموار ماند.

سیدابراهیم رئیسی

## خدا او را دوست داشت

در باره روند حرکت و آینده سیدابراهیم رئیسی طی سال‌های اخیر سناریوهایی مختلفی در ذهن‌ها جاری شده بود که به یکی از آنها هم رسید و ریاست جمهوری را با انواع کمک‌ها در اختیار گرفت اما اگر به صبح سه‌ام اردیبهشت برگردیم، تنها گزینه‌ای که درباره آینده سیاسی او نمی‌توانستیم حدس بنیزیم، اتفاقی بود که برای او و همراهانش در مسیر بازگشت از مرز ایران و آذربایجان رقم زده شد. رئیسی با مرگ ناگهانی اش کشور را وارد دوره‌ای جدید از سیاست کرد، برای سومین بار در تاریخ، ایران شاهد برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری شد و از دل این انتخابات از یکسوسکاف در دیوار اصول‌گرایان به صورت کامل نمایان شد و از سوی دیگر یک اصلاح‌طلب نوانست در پروژه یکدست‌سازی رخنه ایجاد کرده و ریاست قوه مقننه یکبار دیگر حداقل به صورت اسمی به اصلاح‌طلبان واگذار شود. هر چند برخی فانتزی‌های باقی‌اصول‌گرا طوری رفتار می‌کردند که دوره ریاست جمهوری رئیسی، همان دوره نزدیک شدن به مدینه فاضله است و ایران با این روند بهشت زندگی در جهان خواهد شد اما فانتزی‌ها که در جریان زندگی مردم تأثیری ندارد، مردم واقعیت را می‌بینند و با واقعیت‌ها زندگی می‌کنند. با مجموع وضعیتی که طی سه سال ریاست جمهوری او به وجود آمده بود با همه نگاه مثبتی که نسبت به شخص او از سوی جریان‌های قدرتمند درون حاکمیتی وجود داشت؛ شاید اتفاقی که رخ داد، بهترین پایانی بود که می‌توانست برای رئیسی رقم بخورد. هر چند روی آینده پوشیده است، اما چندان دور از انتظار نبود که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴ فرد دیگری به عنوان پیروز اعلام شود و سیدابراهیم رئیسی تبدیل به اولین رئیس‌جمهور در تاریخ ایران شود که با پایان دوره اول ریاست جمهوری‌اش حضور او برای ادامه مسیر و حضور در دور دوم تمدید نشود؛ موضوعی که در صورت رقم خوردن، می‌توانست در نهایت منجر به این شود که او آرام‌آرام از صحنه سیاست ایران محو شده و تنها نامش در تاریخ بماند؛ به عبارتی می‌توان گفت شاید خدا او را خیلی دوست داشت که این پایان را برایش رقم زد.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای

## توصیه‌کننده به یک استعفا

«رسیدگی به این پرونده، در زمره افتخارات نظام است»؛ این جمله‌ای بود که محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا در پاسخ به صدور احکام پرونده چای دیش و محکومیت دو وزیر دولت رئیسی اعلام کرد. او صراحتاً اعلام کرد که جرم اتفاق افتاده و نباید آن را به اغراض و تعلقات سیاسی و جناحی آلوده کرد. صراحت او در اعلام چند تخلف گسترده و مجرم اعلام کردن مقامات طراز اول دولتی او را بارها در سالی که گذشت بر سر زبان‌ها انداخت. او در چند نوبت سخنانی درباره فسادهای گسترده در کشور داشته است؛ از افشای‌گری درباره نهاده‌های دامی گرفته تا خط لوله قاچاق سوخت از فرودگاه تاربا. شاید بتوان گفت بعد از این پرونده‌ها بیشترین نقش آفرینی اژه‌ای در چارچوب فعالیت سران سه قوه و تصمیماتی است که در این جلسات گرفته شده است. البته نهاد تحت سسکانداری او با فراز و نشیب بسیار روبه‌رو بود؛ از جمله مهمترین آن ترور دو قاضی معروف دیوان عدالت اداری بود. از جمله موضوعات مهم مورد بحث که پای رئیس قوه قضائیه هم به آن کشیده شده بود، ابلاغ قانون حجاب و عفاف است. البته که در سالی که گذشت مواضع اژه‌ای درباره آن تغییر خاصی نکرد. او معتقد بود که در حوزه عفاف و حجاب وضعیت خوبی نداریم و در هر اندیشی با اصحاب رسانه‌ها با اشاره به این موضوع گفته بود من گفت‌ام از همین قوانین موجود اگر استفاده شود ۷۰ درصد مشکل حجاب حل خواهد شد، اما می‌گویند لایحه بدهید و وقتی می‌خواهند کاری انجام نشود می‌گویند یک کار جامع اساسی و همه‌جانبه انجام دهید، این یعنی نشود. او تاکید داشت که قانون عفاف و حجاب باید ابلاغ و اجرا شود. البته این قانون فعلاً با تصمیم شورای عالی امنیت ملی در تعلیق قرار گرفته و پس از این تصمیم او هم درباره ابلاغ آن نظر دیگری نداشته است. از جمله نقش آفرینی دیگر او که در فضای سیاسی کشور سروصدا ایجاد کرد این بود که او هم‌زمان با استیضاح وزیر اقتصاد در مجلس به گفته محمدجواد ظریف، اژه‌ای به او توصیه کرد که از معاونت راهبردی استعفا بدهد و به دانشگاه بازگردد و ظریف هم پذیرفت.

